

<https://www.doi.org/10.31918/twejer.2033.21>

e-ISSN (2617-0752)

p-ISSN (2617-0744)



مضامین و اندیشه‌های شعری فقی قادر همه‌م‌وند

پ.ی.د. جیهاد شکری رشید

دانشگاه صلاح الدین / دانشکده زبان

Jihad.rashid@su.edu.krd

چکیده

عبدالقادر رسول جوامیر متخلص به فقی، از شاعران قرن نوزدهم است. وی از شاعران توانایی است که شعر او مهجور و گمنام مانده است و تأمل در شعر او نکاتی تازه را در شعر شعرای متقدم آشکار می‌سازد. قادر شاعری است که با عنایت به نظر افکنی به دیوان شعری ادیبان و شاعران فارس و متون اسلامی و قرآنی، نیروی ابداع و ابتکاری را در مضمون آفرینی و معنی پردازی، به حد وفور در اشعارش خاطرنشان کرده است. اشعارش نموداری است از ذوق و هیجان و نیروی تخیل و اشراف و تسلط کامل به الفاظ و تعبیرات و ترکیبات مطلوب و بدیع. جانمایه شعر قادر علاوه بر تجربه‌های دنیوی، متأثر از محیط آشفته‌ی دوران حکفرمایی سلطان عبدالعزیز عثمانی بوده است که با فهم و درایت وی با یکدیگر آمیخته شده است. در این پژوهش سعی بر آن است تا به مضامین و اندیشه‌های شاعر اشاره‌ای شود تا با این هدف بتوان به فضای فکری و نوع نگاه فقی‌قادر همه‌وندی به مهم‌ترین مسائل و مضامینی که در دیوانش بدان پرداخته است، دست یافت.

واژه‌های کلیدی: فقی قادر، مرثیه، ساقی نامه، شکوی، حبسیه‌سرایی.

اشعار فقی‌قادر دارای تنوع و گستردگی مضمونی و محتوایی قابل توجهی است و در مجموع، مضامین اشعار فقی‌قادر را می‌توان در چند محور « اخلاقیات، حبسیه سرایی، ساقی نامه، شکویات، عرفانی، گرایش‌های فلسفی، مدیحه‌سرایی، مرثیه‌سرایی، معراج‌نامه و طبیعت‌گرایی و ... » دسته‌بندی کرد که این حکایت از تسلط علمی و ادبی شاعر دارد که برغم وسعت کمالات و دانش و آثاری که داشته، چندان شناخته نیست. اما آنچه از نوشته‌هایش حاصل می‌شود حاکی از نبوغ سرشار و تفکر متجددانه‌ی اوست. قادر از جمله شاعرانی بوده است که هر چه می‌اندیشیده و احساس می‌کرده و در زمانه خویش دیده و چشیده به شعر درآورده و بر صفحه‌ی روزگار بر جای گذاشته است. البته بدون تردید سروده‌های هر شاعری بازتاب محیط اجتماعی و روحيات و اندیشه‌های اوست. شاعری که مدت طولانی را در حصار تنهایی زندان روزگار گذرانیده و طعم تلخ بی‌کسی و تحقیر و نداری را چشیده باشد، همانطور که جسم و روحش دردناک و آزرده شده است، زبانش هم زبان درد و شکایت و اندیشه‌اش همه اثبات بی‌گناهی و رهایی از حبس می‌شود. فقی‌قادر عقاید مذهبی، رنج و حبس، مدح و مناجات، گله و شکایت از مردم و روزگار، پند و اندرز، غم و غصه، فراق و ماتم خانواده و اهل و هر چه که از خاطرش گذشته به لباس شعر درآورده و به کمک الفاظ و ترکیبات و تشبیهاتی که خود به لهجه‌ی زیبای هه‌ورامی ساخته، بیان کرده است که بر روانی شعر او صحه می‌گذارد. به نظر نگارنده وی، سخنوری است که با عنایت به نظر افکنی به دیوان‌های شعر فارس و متون اسلامی و قرآنی، نیروی ابداع و ابتکار را در مضمون آفرینی و معنی‌پردازی را به حد وفور در اشعارش جمع کرده است. شاید بتوان

بزرگترین مزیت اندیشه فقی‌قادر را دانش والای وی در شناخت متون پیشینیان دانست. این تتبع و جستجو در آثار دیگران، ظرفیت‌های محتوایی وی را افزایش داده و باعث شده است تا شاعر صرفاً به توانیهای ذهنی و قریحه‌ی خود متکی باشد و برخورداری ملموس با مضمون در لهجه بسیار زیبای هورامی و نسبتاً صمیمی، به افزایش استحکام و انسجام موضوعی کمک نموده است.

۱-۱- ضرورت و هدف تحقیق

شناخت رجال ادبی، سیاسی و اجتماعی یک سرزمین در ادوار تاریخی مختلف مثل: شاعران، نویسندگان و بزرگان عرفان و تصوف برای پژوهشگران اهمیت زیادی دارد. یکی از چهره‌های فرهنگی در سده نوزدهم، «فقی‌قادر» بوده است که در عصر حیات خویش نام و آوازه‌ای داشته و آثار و اشعاری نیز خلق کرده است. هدف از نگارش مقاله حاضر بررسی مضامین شعری، نگرش‌ها و باورهای ذهنی فقی‌قادر از شاعران توانمند است. با نقد و بررسی ابیات شعری فقی‌قادر، می‌توان بخشی از منظومه فکری فقی‌قادر را شرح و بسط داد و در نهایت، تحلیل درست‌تری از عقاید و باورهای عارفانه، عاشقانه، دینی، تعلیمی و حکیمانه‌ی او ارائه کرد. پژوهش حاضر می‌تواند باعث شناخت بیشتر این شاعر شود و یا دریچه‌ای برای پژوهشگران باز کند و شیوه‌ی تحقیق در منابع را برای شناخت او ساده نماید و از آنجایی که پژوهشی در این زمینه در اشعار فقی‌قادر صورت نگرفته بود، پس ضروری به نظر می‌رسید که این پژوهش به انجام رسد تا بخشی از نمودهای محتوایی شعری این شاعر در معرض دید ادب‌دوستان قرار گیرد.

۱-۲- طرح بیان مسأله

در تدوین مقاله که از روش کتابخانه‌ای و تحلیل ابیات استفاده شده است، نگارنده به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها بوده است:

۱. فقی قادر از چه مضامینی بیشتر سود جسته است؟

۲. محتوای اشعار او بیشتر به چه موضوعاتی اختصاص دارد؟

۱-۳- فرضیه‌های پژوهش

۱. اشعار فقی قادر دارای تنوع و گستردگی مضمونی و محتوایی قابل توجهی است که این حکایت از تسلط علمی و ادبی شاعر داشته و همچنین حاکی از نبوغ سرشار و تفکر متجددانه اوست.

۲. از آنجایی که شاعر در همان دوران کودکی در حجره‌ی مساجد آن روزگار تحصیل علوم را آغاز کرد از این‌رو، گرایش خاصی به مباحث دینی، اخلاقی و عرفانی داشته است.

۱-۴- پیشینه تحقیق

تا آنجا که نگارنده مطلع است تاکنون پیرامون مضامین و اندیشه‌های شعر فقی قادر همه‌و‌ندی پژوهش‌های جامع انجام نشده است و به صورت مستقل هیچ پژوهشی در این باره صورت نگرفته و مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است.

۳-۳- روش تحقیق

برای معرفی بیشتر فقی‌قادر می‌توان اشعار او را طبقه‌بندی محتوایی نمود و بر مبنای آن، شیوه‌ای برای شناخت بیشتر و بهتر این شاعر طرح

کرد. نگارنده در این پژوهش با روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و توصیفی اغلب متون در دسترس خود را مطالعه نموده و هریک از گفته‌ها و نوشته‌های شاعر را تحلیل نموده تا روشی برای مطالعه‌ی بیشتر و دقیق‌تر احوال فقی‌قادر بر مبنای متون موجود وی کشف شود. تأمل و تفحص در دیوان او مؤید این است که بسیاری از مضامین شعری در شعر او نمود یافته که در خور توجه و تأمل است. از این رو، پژوهش حاضر بر آن است تا با رویکردی توصیفی و تحلیلی، مضامین شعری را در دیوان فقی‌قادر مورد بررسی قرار دهد.

۲- بحث و بررسی

پس از معرفی مختصر از شرح حال فقی‌قادر همه‌وندی سپس به مضامین و اندیشه‌هایی که شاعر در دیوان خود برای ابراز اندیشه‌ها و افکار خویش از آن سود جسته مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱- معرفی فقی‌قادر

عبدالقادر فرزند رسول مشهور به «فقی‌قادر» در سال ۱۸۳۰م/ ۱۲۷۴ه.ق در روستای «بازیان» از توابع سلیمانیه در خانواده‌ای با فضل و فراست و آشنا به رموز سیاست چشم به جهان گشود. این شاعر گاهی تخلص خود را «فقی» و در بعضی موارد «درویش» به کار برده است. فقی‌قادر از نجیب زادگان بود که در همان دوران کودکی در حجره‌ی مساجد آن روزگار تحصیل علوم را آغاز کرد اما تحصیلات خود را در حجره به پایان نرسانیده است (خه‌زنه‌دار، ۲۰۱۰: ۱۹۷). وی از مریدان کاک احمد شیخ بوده است که از طریقت قادریه بوده است. ناگفته نماند که فقی‌قادر به عارف بزرگوار کاک احمد شیخ برزنجی ارادت می‌ورزیده و از دروایش او بوده و در اشعار خود بسیار از وی ستایش کرده است

(بابا مردوخ روحانی، ۱۳۹۰: ۳۹). فقی‌قادر بارها از زورگویی و مظلالم حکام وقت لب به شکایت گشوده و همین امر موجب شده است که مدت‌ها در زندان و تبعیدگاه به سر ببرد. چنانچه وی «در سنة ۱۳۰۵ بعد از پنج سال و نیم زندان در شهر کرکوک و دو سال در موصل یا بغداد، به همراه افراد عشیره‌اش از طرف دولت عثمانی به شهر بنگازی لیبی تبعید شده و به سال ۱۳۰۸ ه.ق همان جا در گذشته است» (همان: ۳۹). فقی‌قادر در مدارس دینی تحصیلات خویش را انجام داده است و سپس در مسائل و حوزه‌های دینی سرآمد روزگار بوده، این را به وضوح می‌توان از بطن اشعارش درک کرد. او شاعری پرآوازه، عارفی ثابت قدم و «انسانی مؤمن، صحیح‌العمل» (همان: ۴۰) بوده است. در مورد آثار این شاعر باید گفت که از این شاعر یک دیوان شعری برجای مانده است که به همت ملا عبدالکریم مدرس به سال ۱۹۸۰ در بغداد به چاپ رسیده که متأسفانه بعد از آن چاپ، هنوز تجدید چاپ نشده است. دیوان شعری فقی‌قادر مشتمل بر هفت بخش است: (۱) فضیلت بنی آدم؛ (۲) پند حکیمان؛ (۳) عقیده اسلامی؛ (۴) معراجنامه؛ (۵) درودنامه؛ (۶) جبری و اشعری؛ و (۷) جنگ‌نامه بهار و زمستان. فشارهای سیاسی، زندان و تبعید که در تمام اشعار او نشانی از آن جریان دارد، فقی‌قادر را از مبارزه و تحقیق در آگاهی و شعر و ادب و فرهنگ باز نداشت تا اینکه در سال ۱۸۳۰ میلادی دار فانی را وداع گفت.

۲-۲- مضامین و اندیشه های شعری فقی‌قادر همه‌موندی

فقی‌قادر در شیوه شاعری طرزی نو و در محتوای سخنش به مباحث اخلاقی، فلسفی، عرفانی و دیگر مضامین پرداخته است که بیشتر مضمون اشعارش تعلیمی و ارشادگونه و نیز بیان حالات وجد و شوق روحانی در لحظات خاص وصال رواج است که به اشعار وی، شکوه و جلال خاصی بخشیده است که در این مقال بدان پرداخته می‌شود:

۲-۲-۱- اخلاقیات

رواج اخلاقیات و افزایش آگاهی بشری ساخته‌ای از اندیشه‌های تعلیمی است که «نیک بختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او می‌داند و هم خود را توجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی انسان می‌کند» (مشرف، ۱۳۸۹: ۱۹) و به عبارتی، آموزه‌های تعلیمی و ارشادی «جنبه‌های مختلفی چون اخلاقیات، مسایل و انتقادات اجتماعی و سیاسی و آموزش فنون و حرف‌گوناگون را دربرمی‌گیرد» (همان: ۲۱). از این‌رو، موضوعات ادب تعلیمی ممکن است اخلاق، سیاست، فلسفه، علم و مذهب و جز آنها باشد (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۲۱۲). به این اعتبار، ادب تعلیمی به آثاری گفته می‌شود که هدف سراینده و گوینده آن، تشریح و تبیین مسایل اخلاقی و اندیشه‌های حکمی و مضامین پندگونه باشد (یلمه‌ها، ۱۴۹۰: ۱۵۴). مضامین تعلیمی بخش مهمی از دیوان شعری فقی قادر را تشکیل می‌دهد که بازتاب گسترده‌ای دارد. فقی‌قادر در اخلاق فردی به اهمیت تربیت و مهار نفس توجه دارد. از روش‌های تربیتی فقی‌قادر مخالفت با نفس است که مردم را به اخلاص در طاعت پروردگار تحریض کرده :

عاقلاً ئەو کەسەن ھەر دەم شاکیڕ بۆ

ھەم بە ئەفس وێش ھەردەم قادر بۆ

ئەبلەھ ئەو کەسەن جە دار دنیا

دایم دەوانەن جە ئەفس و ھەوا

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۴۹۱)

در دیوان شعری فقی‌قادر ابیاتی درباره‌ی ارزش سکوت آمده است. وی پرحرفی را خصلت نادانان می‌داند و سفارش به پرهیز از پرگویی می‌کند و گزیده‌گویی را خصلت افراد دانا می‌داند:

هر که س فراوان بکه‌و گوftar

دل جه توی سینه‌ی ویش مه‌کو بیمار

خاموشن هردهم صینف عوقه‌لا

پر گوftar مه‌بان صینف جوهه‌لا

(فقی‌قادر، ۱۹۸۰: ۴۹۲-۴۹۳)

فقی‌قادر یکی از شاعرانی است که اشعارش از نظر مسایل اخلاقی حایز اهمیت است. وی بر اساس تفکر خردگرایانه‌ی خویش، بسیاری از مفاهیم تعلیمی نظیر ناپایداری و گذرا بودن دنیا، تواضع، کرم، صداقت، قناعت، تکبر و دوری از ظلم و بیداد را بیان کرده است (نک: فقی‌قادر، ۱۹۸۰: ۴۰۱-۵۰۱). هدف سراینده در سرودن آن آموزش اخلاق و تعلیم اندیشه‌های پسندیده‌ی مذهبی و عرفانی و یا علوم قرآنی می‌باشد. از این-رو، می‌توان گفت که در اشعار فقی‌قادر اخلاق و عرفان به یکدیگر آمیخته‌اند و در پاره‌ای اساساً به صورت واحدی درآمده‌اند تا آن‌جا که تفکیک آن‌ها از یکدیگر آسان نیست. اما در برخی اشعار او علی‌رغم این که ویژگی تعلیمی دارند و در آن‌ها موعظه و نصایح اخلاقی پرداخته اما زمینه‌ی معنایی آنها لزوماً در تسخیر مضامین عرفانی نیست بلکه درونمایه‌ی تعلیمی- اخلاقی با اثر فقی‌قادر درآمیخته است که آکنده از آموزه‌های اخلاقی چون فضایل اخلاقی و رذایل اخلاقی و یا هر آن‌چه با بدی و زشتی پیوند دارد. فقی‌قادر با زبانی ساده و شیرین فضائل اخلاقی

را تشحیذ و تشویق می‌کند. بخش مهمی از این مضمون را دیوان فقی‌قادر تحت عنوان «پندالحکما و عقیده اسلام» به خود اختصاص داد است (نک: فقی‌قادر، ۱۹۸۰: ۴۴۶-۶۱۹).

شایان عنایت است که جهان بینی فقی‌قادر بر پایه جهان بینی قرآنی شکل گرفته است. البته در نخستینه‌های ادب کوردی، دریافت مضامین شعری از قرآن کریم و متون اسلامی، امری معمول و سنتی رایج بوده است. چنانچه فقی‌قادر مفاهیم تعلیمی و اخلاقی خود را به دو صورت به مخاطب عرضه می‌کند:

(الف) به صورت گفتارهای مستقیم تعلیمی و اخلاقی که بخشی از دیوان شاعر را تحت عنوان «پندالحکما و عقیده اسلام» به خود اختصاص داده است.

(ب) به صورت پراکنده از زبان شخصیت‌های حکایت‌ها و یا از زبان فقی‌قادر در پایان حکایت‌ها و به عنوان نتیجه‌گیری‌های اخلاقی حکایت بیان شده است و یا در اصل زیر ساخت حکایت‌ها و موضوع اصلی بر پایه اندیشه‌های اخلاقی شکل گرفته است.

فقی‌قادر با توجه به سروده‌هایش، جهان شعر را از لطافت لفظ و معنی و خصوصیات انسانی، انسجام می‌بخشد. ذهن تعلیمی و اخلاق‌مدار فقی‌قادر سبب شده است که تا در اشعار او، با حجم قابل توجهی از مفاهیم اخلاقی، بایدها و نبایدهای شرعی، نکته‌های تربیتی و آموزه‌های حکمی روبرو شویم. زیرا تأمل در اشعار او حاکی از این واقعیت است که اشعار وی در مضمون اخلاقیات، بدون توجه به احساسات شخصی و منافع خصوصی خود، از روی کمال حس نیت و سابق حس بشردوستی در مسائل گوناگونی که بنا به اعتقاد او اصلاح وضع اجتماعی و بالا

رفتن سطح اخلاق عمومی و سعادتمندی و خوشبختی افراد بسته به آن-
هاست، سروده شده است.

۲-۲-۲- حبسیه سرایی

حبسیه «شعري است که در شکایت از درد و رنج زندان سروده
باشد» (شریفی، ۱۳۸۸: ۵۲۰) و به بیانی دیگر از اقسام شعر
غنایی «حبسیه» یا «زنداننامه» است که بیشتر اجزایش را شکایت و
حسب حال «بث الشکوی» تشکیل می‌دهد (ظفری، ۱۳۵۷: ۱۷). فقی قادر
مانند هر زندانی که روح بلند پرواز وی توانای ماندن در زندان را ندارد،
همیشه فریاد و فغان سرداده و غم و اندوه فراوان خود را از آن امر
چنین به تصویر می‌کشد:

قهید زنجیرم .. قهید زنجیرم

یا شانه قهله قهید زنجیرم

دهمیوهن مه قههور قه هر موشیرم

چه مه‌رای هیممهت شای خه‌یبه‌ر گیرم

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۶۶۴)

شاعر به توصیف وضعیت زندان، روحیات فرد زندانی شده،
خاطرات دوران سخت زندان و رنج‌های این دوران از لابه‌لای دیوارهای
بلند زندان و روزگاران سخت حبس به شیوه مؤثر می‌پردازد. قصیده
«بیت الاحزان» را با توجه به عجز و ناتوانی که داشته است در
زندانخانه بغداد سروده است و حبس برای او همانند خانه‌ای گشته که

تمامی غصه‌ها و دلتنگی‌ها برای او جمع شده که احساس می‌کند که تنها
او در این خانه اسیر و گرفتار شده است:

(بیت الاحزان) م (بیت الاحزان) م ..

هر من موقه‌یید (بیت الاحزان) م ..

هر من یه‌عقوب وار مه‌ست هیجرانم

هر من جه کردار ویم په‌شیمانم..

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۶۶۵)

شاعر در ادامه می‌گوید که تنها من از درد بیهوش گشته‌ام و تنها من
هستم که غمگینم و تنها من هستم که در این سرزمین محبوس گشته‌ام و
تنها این آه و فغان من است که در گیتی می‌چرخد که سبب منجمد شدن
بلندای برج کهکشان شده است. در اصل ناله من است که هیچ سیاهی
صدایی ندارد و از دود ناله من است که دنیا سیه گشته است:

هر من مه‌ست دهر، هرمن‌ه‌زینم

هر من به‌سته‌ی به‌ند، زار و زمینم

یه ئاه منهن به‌گهردوون لووان

یه‌خ که‌رده‌ن طورپ‌ره‌ی بورج کاکه‌شان

یه ناله‌ی منهن چون زه‌نگ مه‌دو دهنگ

یه دوود منهن دنیا که‌رده‌ن زه‌نگ

یه نالّهی منهن زو حال که ردهن ریش

نه بورج میرپریخ نه گبته واران لیش

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۶۶۶-۶۶۷)

ابیات زیر نیز نمونه ای از حبسیه در دیوان فقی قادر است، وی مدت زمانی را که در زندان موصل به سر برده است، از محنت و رنج‌هایی که به او رسیده، شکایت می‌کند:

تا که‌ی دل به خار می‌چنه‌تان ئیشو

قامه‌ت تا که‌ی بار خه‌جله‌تان کی‌شو

شه‌ناوهری به‌حر هیجرانان تا که‌ی

دیده‌ی ئینتظار نیگه‌ران تا که‌ی

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۶۹۸)

البته قادر با توجه به اینکه در حبس می‌باشد و تجربه تلخ زندان را می‌چشد اما با ذهن تیزبین خود از دنیای اطراف خود غافل نبوده است.

۲-۳- ساقی نامه

ساقی نامه «عنوان عمومی منظومه‌هایی است از نوع خمیه» (شریفی، ۱۳۸۸: ۷۷۰) که سابقه‌ای طولانی در تاریخ شعر کوردی دارد و از انواع ادبی تأثیرگذار در ادبیات کوردی است و آن را شکل تحول یافته خمیات ادب عربی دانسته‌اند که در سیر تحولی خود، با صبغه‌ای فلسفی، اخلاقی، عرفانی و انتقادی توسط شاعران ساقی‌نامه سرای شاعران کورد

عرضه شده است.^(۱) از جمله خصوصیات بارز این نوع ادبی، کاربرد واژگان خاص ادبیات مغانه چون ساقی، می، جام، شراب، بزم و ... است. ساقی نامه‌ی قادر، گاهی بخش‌های مستقل عنوان‌دار دارد (نک: فقی قادر، ۱۹۸۰: ۱۸۱) و گاهی بخش‌های مستقل عنوان‌دار ندارد که در هر صورت ترکیب معنایی و تصویری از بعضی از ابیات قادر با واژگانی چون می، شراب، باده، ساقی و ... به لحاظ پیام هیچ چیزی از ساقی نامه کم ندارد، از ابزار و اشخاص بزم هم، ساقی، ساغر قدح، کاسه و جام در آن حضور دارند، فقط قالب آن با ساقی نامه متفاوت است.

فقی قادر در سروده‌های خویش با ترکیب لغات و اصطلاحات ساقی نامه‌ها در پی انتقال مفاهیمی خاص به مخاطبانش است که هدفی فراتر از استفاده عموم شاعران از این حوزه معنایی داشته است.

ساقی بُو به عیشق پیر موغانی

موه‌ه‌ییا که‌ر به‌زم باده‌ی مه‌عانی

نیمش‌ه‌و دَل مه‌ل‌وول نیداره‌ی ده‌هره‌ن

قوت‌ووی مه‌زاجش تریاک و زه‌هره‌ن

پازه‌هر فیکرش بی نیم‌تیزاجه‌ن

به طیب باده‌ی حه‌قیق موحتاجه‌ن

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۱۸۱)

و در جای دیگر می‌گوید:

ساقی بو به عیشق پیر خه‌رابات

ئیحیا کهر قه‌لبم به و باده‌ی حیات

به شه‌مع باده ره‌وشه‌ن کهر یاران

شکست دهر شیشه‌ی عومر ئه‌غیاران

(فقّی قادر، ۱۹۸۰: ۶۸۴)

البته شایان عنایت است که فقّی‌قادر این شعر را در زندان سروده است لذا این نوع شعر امکان خوبی به قادر داده است تا به بهانه‌ی می و میخانه و مستی، فارغ از محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها، ناگفتنی‌های روزگار خود را در قالب نکوهش روزگار و اهل ظن بر زبان بیاورد و چه بسا یادکرد او از می و میخانه و ساقی، بهانه‌ای بوده برای اعتراض و انتقاد از آنچه او نمی‌خواهد و ناروا می‌پندارد. از این منظر، می‌توان گفت که ساقی‌نامه‌ی قادر شعری اجتماعی، آرمانخواهانه و بلکه شورشگرانه است:

ساقی سا ده‌ی مه‌ی باوهر په‌یایه‌ی

صه‌حرای دل تا که‌ی بی‌مه‌ی بو چون به‌ی

موطریبان صه‌ف صه‌ف که‌ف بده‌ن نه ده‌ف

به‌شق شای نه‌جه‌ف دل که‌ن به هه‌ده‌ف

گهرم که‌ن ئاهه‌نگ، به‌رز که‌ن صه‌دای زه‌نگ

ده‌نگ زه‌نگ به‌رز که‌ن فرسه‌نگ به فه‌رسه‌نگ

نه شوږ نه شنه‌ی شورب شه‌رابی نه گهرمه-
ی طه‌مبوور تار روبابی

بخروشو ده‌ماغ، بجوشو ضه‌میر

هوښ مه‌دهوښ (دهنگ) جه نوطق و ته‌قریر

به ته‌ئثیر نه‌ظم به‌سته‌ی عیراقی

ئازاد بام جه نار کووره‌ی فیراقی

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۷۰۵)

و با ناله و عجز چنین نفرین می‌کند:

یا ره‌بی په‌رده‌ی نه‌نگ چه‌نی ناموس

نه عوشره‌ت وعه‌یش مه‌نده‌نان مه‌ئووس

نه قه‌ید سیجن خان و وه‌زیرم

چه‌مه‌رای هی‌مه‌ت شای خه‌یبه‌ر گیرم

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۶۶۵)

مهمترین ساقی نامه‌ای که از منظر روانشناسی و جامعه‌شناسی در دیوان قادر قابل توجه است، قسمت نکوهش روزگار و بیان اندوه شاعر از وضع موجود است که گاه با عنوانی مشخص، از سایر بخش‌ها جداست (نک: فقی قادر، ۱۹۸۰: ۱۸۱) و گاه بی‌عنوان و

در لابه‌لای بیت‌های دیگر آورده شد است. زیرا اگر پیام ساقی‌نامه خوش باشی، اغتنام فرصت و تلخ کامی از بی‌وفایی دهر باشد، که هست، بدین تعبیر این ابیات را می‌توان ساقی‌نامه گفت.

۲-۲-۴- شکواییات

نوع دیگری از مضامینی که در زبان شعری فقی‌قادر معمول بوده اظهار شکایت و گله از روزگار و مردم زمانه، یعنی شکواییه یا بث الشکوی است. شکواییه به بث الشکوی هم معروف است «به معنای اظهار شکوه و شکایت از درد و رنج» (انوری، ذیل: بث الشکوی). شکویات «در نظم و نثر، یکی از انواع فرع ادبی از حیث مضمون است که به جهت محتوا بر احساسات و عواطف شخصی از فروع ادب غنایی به شمار می‌آید» (شریفی، ۱۳۸۸: ۲۶۴). در واقع، شکوی بر اشعاری اطلاق می‌شود که شاعر در قبال ناملایمات و محرومیت‌های وارده بسراید و حکایت از رنج و اندوه و یأس و ناکامی و تیره‌روزی و بدبختی‌گوینده‌ی آن کند (مؤتمن، ۱۳۸۸: ۷۶) و «این نوع آثار حاوی گله و شکایت از ناملایمات یا محرومیت‌های خاص و عام و منعکس‌کننده‌ی اندوه و یأس و ناکامی و تیره‌روزی و گاه آمیخته با مفاخره یا مدافعه است» (شریفی، ۱۳۸۸: ۲۶۴). فقی‌قادر بارها در لابه‌لای سروده‌های خویش، روزگار را سوژه‌ی وی برای عتاب و شکوی قرار می‌دهد و به خاطر محنت‌ها و مشکلاتی که از طرف روزگار به او رسیده، زمانه را مورد سرزنش قرار می‌دهد و در میان مردم تنها خود را آواره و می‌داند و از روز ازل خود را سیاه بخت می‌داند:

جه مولک و میلله‌ت ههر من ئاواره‌م

ههر من جه ئه‌زه‌ل سیان ستاره

هەر من مهست دهر، هەر من چه زینم

هەر من به سته‌ی به‌ند، زارو زه‌مینم

یه ئاه منه‌ن به گه‌ردوون لووان

یه‌خ که‌رده‌ن طورپه‌ی بورج کاکه‌شان

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۶۶۶)

البته واضح است که زمانه دارای مفهوم و دلالتی رمزگونه است؛ چراکه منظور از روزگار، همه‌ی عوامل و اسبابی است که فقی‌قادر را در چنبره‌ای از سختی‌ها و نگرانی‌ها قرار می‌دهد و در او احساسی از شکست و نومیدی به وجود می‌آورد.

فه‌قی ته‌فره‌قه‌ی فیرقه‌ی یاران‌ه‌ن

ذه‌لیل زومره‌ی ناب‌ه‌کارانه‌ن

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۶۶۷)

درخور توجه است که فقی‌قادر دید اجتماعی خود را به وصف و شرح حال معطوف ساخته است و به شکوه در مسایل اجتماعی کمتر پرداخته است. فقی‌قادر به عنوان شاعری کلاسیک و به تبع شعرای سنتی به شکوه بر قضای محتوم الهی نیز پرداخته است. ابیات زیر مثال خوبی برای مورد عتاب قرار دادن زمانه از سوی شاعر می‌باشد:

هه‌ی هانا نه‌ی چه‌رخ سفله‌ی سته‌مگه‌ر

بی‌کاره‌ی عه‌جوون، بی‌مایه‌ی شه‌وه‌ر

چه رخ چه وارشش مه ندهن بی به قا

هر کهس پیش نازا جیش نه دی صه فا

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۱۷۹)

درحقیقت اجتماع عصر ما با توجه به فراز و نشیب‌های بی پایان و مسایل متفاوتی که باعث ایجاد رخنه و شکاف در طبقات جامعه و افکار و معیشت آنها گردیده است سبب شکواییه‌های اجتماعی از زبان شاعران این دوره است.

۲-۲-۵- عرفان

عرفان و تصوف اسلامی درونمایه‌های اغلب شاعران کلاسیک کورد است. با مروری کوتاه در دیوان فقی‌قادر در می‌یابیم که آگاهی فقی‌قادر بر مبنای بینش عرفانی و دل‌بستگی او به درونمایه عرفان و تصوف بی‌اندازه بوده است. با توجه به مسلک عرفانی فقی‌قادر، بن‌مایه‌های عرفانی و صوفیانه نمود ویژه‌ای در ابیات شعری وی دارد و بخش اعظمی از اشعار او را به خود اختصاص داده است. سراسر شعر فقی‌قادر بیانگر شور عرفانی و درد جانسوز فراق و میل به وصال است و از آنجایی که عرفان، حاصل دریافت‌های معنوی است که به آگاهی و بیداری می‌انجامد، بسیاری از اشعار فقی‌قادر از مضامین عرفانی و معرفت الهی است. فقی‌قادر در مباحث عرفانی، به مبانی نظری که در برگیرنده مباحث توحیدی و مسائل مربوط به آن است و همچنین در عرفان عمل به سیر و سلوک معنوی انسان و بیان حالات و مقامات او به سوی حق اشاره کرده است که بیانگر وسعت مشرب و نگاه عرفانی اوست:

همم عه شق نه صيحه ت، همم نه شئه ی ویصال^(۲)

همم وجد^(۳) و همم سوکر^(۴)، همم زهوق^(۵) و همم حال^(۶)

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۷۵)

فقی قادر طبق عقیده وجودی عرفا، خداوند را تنها وجود و وجود حقیقی در جهان هستی می‌داند که با یک اراده متجلی همه موجودات را پدید آورده است و در این خصوص می‌گوید:

یه کایه ک نه صاف حه دد صیفاته ن

موزیل و موجیل یوحی نه مواته ن

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۵۶)

یکی دیگر از نگرش‌های وحدت وجودی قادر، باور او به عالم یکرنگی و صافی است، از دیدگاه عرفا همه‌ی پدیده‌ها از اصل واحدی سرچشمه گرفته‌اند و هم به همان اصل واحد برمی‌گردند. قادر نیز بر این عقیده عرفا دمساز می‌شود و می‌گوید:

زه‌رپی جه پرتو قه‌ه‌رت سه‌قه‌ره‌ن

قه‌طری جه ده‌ریای په‌حمه‌ت که‌و‌ته‌ره‌ن

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۵۷)

فقی قادر افزون بر بن‌مایه‌های عرفانی ذکر شده به مفاهیمی چون «تضاد میان عقل و دل» اشاره کرده است. فقی قادر سعی آدمی را برای درک حقایق و رسیدن به معرفت حق تعالی از راه دل دانسته و همچون عرفا برای کشف حقایق و درک معرفت به مشربی دیگر روی آورده است که بالاتر از افکار و اندیشه‌های انسان و بریء از قیاس و برهان و منطق بشری بوده است، و جامع همه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌ها و به دور از تمام جنگ و جدال‌های لفظی و فکری و نظری می‌باشد، این مشرب شورانگیز، همان مشرب عشق و مستی و رندی است که به واسطه دل صورت‌پذیر است که وی در اقلیم چهارم که به شریعت نام برده پادشاه این اقلیم را دل دانسته است. وی با توجه به باورهای اساسی عارفان و صوفیان معتقد است که آنچه راهرو و سالک می‌خواهد و می‌جوید، از راه عقل و با شیوه‌ی نظری و استدلال نمی‌تواند به دست آورد. بلکه تنها از راه دلی تصفیه شده و باطنی پیرایش یافته و با شیوه کشف و شهود و تجربه عملی ممکن است که آن هم فقط به واسطه دل میسر است نه عقل:

(فه‌قی) دل مه‌یبال عه‌قلّ حه‌قیق که‌ی

ته‌بعه‌ش نه ئه‌فکار مه‌جاز ته‌فریق که‌ی

تابیعه‌ن به دلّ عه‌قلّ مه‌عیشه‌ت

یاوا به چهیل مه‌گیرو قووه‌ت

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۲۲)

زیرا به باور وی؛

ته حقیقه‌ن جه‌لای زومره‌ی عوره‌فا

دل وه‌سیع تهره‌ن جه عهرش ئه‌علا

دل ره‌وشه‌ن نومای جه‌وه‌هر پو‌و‌و‌حه‌ن

دل په‌ی هه‌ر طه‌ره‌ف قاپیش مو‌فتو‌و‌حه‌ن

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۱۸۷)

در حقیقت قصاید فقی‌قادر نشأت از معرفت است و معرفت واقعی نزد فقی قادر، دل است که خلاصه وجود است و لطیفه‌ای است معنوی و حقیقت انسان هم همان است که فقی‌قادر از آن، به جام جم تعبیر کرده است و در آن هم چیز، چنان که هست، جلوه دارد و به عینه می‌تواند، همه را منعکس نماید:

دل قه‌ریب ذات حه‌ییی داداره‌ن

دل قیبه‌ی وجود، که‌نز ئه‌سرارن

دل جام جیهان نومای جه‌مشیده‌ن

دل دره‌خشنده‌ی مه‌هو و خورشیدن

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۱۸۷)

از طرفی هم بدون تردید، معشوق با توجه به نگاه عارفانه قادر از چشم انداز او، در معنای متعالی، خدای لایزال است و حقیقت بر نفس

مذهب تجلی پیدا می‌کند، لذا آینه‌ی دل را چنین باید صیقلی داد که قابل درک معانی و تابش انوار عالم روحانی باشد و قدرت فهم عوالم معنوی بیابد:

حەقیقی موطیع پۆح ئەقدهسەن

مەجازی موطیع نەفس ئەنجهسەن

حەقیقی مەئموور ذات یەزدانەن

مەجازی موطیع نەفس و شەیطانەن

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۲۱۹)

فقی‌قادر بارها در لابه‌لای اشعارش با تعابیر مختلف تضاد میان عقل و عشق را بیان می‌کند. به اعتقاد وی، عقل در برابر عشق ناچیز است و تاب هنرنمایی ندارد.

۲-۲-۶- گرایش‌های فلسفی

وجود جنبه‌های گوناگون فلسفی اعم از شناخت انسان و جهان و نیز ابعاد متعددی است که از ویژگی‌های بارز شعر فقی‌قادر است. سحر بیان و بلاغت کلام و متانت الفاظ، به اشارات لطیف حکمی- فلسفی دیوان او جلوه‌ای حیرت‌انگیز بخشیده است. فقی‌قادر در بیانی تحت عنوان «در مقالات اشعری و جبری و رد قول جبریان» به صراحت اعلام می‌کند که به جبر اعتقادی نداشته است و تمام اشعار او در این راستا برای مقابله با جبریان است که از این‌رو، وی از مکتب کلامی اشعری متأثر بوده است.

ئه‌گه‌ر ئه‌شعه‌ری بکه‌ران ئه‌فکار

خه‌واص و عه‌وام داران ئیختیار

چون نه‌قص قودره‌ت سه‌رمه‌دۆ موطله‌ق

به‌ کیزب سه‌حیح گشت مه‌بن مولحه‌ق

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۳۸۷)

یکی از اساسی‌ترین اصطلاحات فلسفه اشراق، نور است، سهروردی اساس فلسفه اشراقی خود را بر این نماد بنیان گذاشته است، وی نور را بالاتر از همه چیز می‌بیند. نور از لحاظ زبانی به معنای «روشنائی، روشنی هر چه که باشد، یا شعاع روشنی، ضیاء، سنا، ضوء، شید، فروغ، کیفیتی که به وسیله حس بینائی درک می‌شود و به وساطت آن اشیا دیده می‌شود، روشنی مقابل تیرگی و تاریکی و ظلمت» است (به نقل از دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل نور) و از نظر سهروردی نور به معنی ظاهر بودن در ذات خود است، و ظهورش از خود است و ظهور دیگر چیزها از اوست، یا به قول دیگر که در «الواح عمادی» آمده است، اول رفیق از آن زندگی نور است بین میل حیوانات به نور و فرونشستن حواس و ساکن شدن حرکات در ظلمت شب، پس شادی نفوس با نور سخت‌تر است از بقیه چیزها (غفاری، ۱۳۸۰: ذیل نور). البته در مورد اصطلاح نور در فلسفه، تعریفات بسیاری برای آن شده‌اند، اخوان الصفاء می‌گویند: «جوهری است که ضوء در ذات وی است و غیر وی به آن نور می‌بیند» (شرح المصطلحات الفلسفیه، ۱۴۱۴: ۴۱۷). جوهری بودن نور امری است که فیلسوفان به آن پرداخته‌اند «ضوئی است که شعاع می‌دهد، اگر از ذات وی باشد، برابر خود فیض می‌دهد، برای این بر خورشید می‌گویند ضیاء، اما اگر عرضی باشد می‌گویند نور، مانند ماه» (همان: ۴۱۷) فقی‌قادر،

جزو شاعرانی است که اصطلاح «نور» را در دیوان شعری خود به همان تعبیر فلسفی سهروردی به کار برده است. فقی قادر در دیوان خود معتقد است که خداوند (عزوجل) نور است و گردون و همه مخلوقات از سرچشمه‌ی نور وی بهره می‌گیرند، که سرچشمه‌اش همان آیه‌ی «الله نور السموات والارض» که سهروردی به آن پرداخته است.

به عه‌ظیمی ویت (علي الاعلي)

به فه‌ضل نه‌نوار عه‌رش موعه‌للا

به عیززہ‌تی شه‌ئن (أسماء الحسنات)

به نوور قودرہ‌ت پەرہ‌ی حیجابات

به نوور قہ‌لہ‌م کورسی و مہ‌قامات

به‌و زینہ‌ت نه‌فزای نہ‌جم سه‌ماوات

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۱۵۹)

البته قابل توجه است که فقی قادر مبحث جبر و اختیار را که تحت عنوان مستقلى در دیوان خویش بدان اشاره نموده است، اما جدا از مشرب عرفانی‌اش، مسأله جبر و اختیار را هم چون یک متکلم مورد نقد و بررسی قرار داده است و سعی کرده که با وسعت دید و قدرت اندیشه تمامی جوانب آن را لحاظ کرده و برداشتی دقیق و تا حدود زیادی قانع کننده بیان کند؛ به نحوی که هم مطابق موازین عرفانی باشد و هم با ذوق و عقل عامه همخوانی داشته باشد. از این‌رو، وی گاهی به جبر اذعان می‌کند و گاه به اختیار. همین امر دریافت نظر نهایی و برداشت

واقعی وی را مبهم کرده و مخاطب ظاهرین را در تناقضات زیاد سردرگم می‌سازد.

۷-۲-۲- تحمیدیه و نعت

تحمیدیه منسوب به تحمید، به معنی «مبالغه در حمد، نیک ستودن، پی‌درپی ستایش کردن و بسیار حمد خدا را گفتن» (دهخدا، ذیل واژه) است. تحمیدیه یکی از گونه‌های ادب غنایی است و به اشعاری اطلاق می‌شود که شاعر لزوماً در آن‌ها به ستایش خداوند و توصیف قدرت و یگانگی و حاکمیت مشیت حضرت حق بر جهان هستی بپردازد. تحمیدیه در اشعار فقی‌قادر جایگاه ویژه‌ای دارد. با نگاهی هر چند اجمالی به دیوان هه‌م‌وندی این نکته به خوبی روشن می‌شود که او شاعری مدیحه پرداز است و تنها قصد مدح و ستایش خداوند و رسولش را داشته است. البته به روال معمول همه شعرا در دیباچه آثار دواوین خود، ابیاتی را به حمد و ستایش حق اختصاص می‌دهند و فقی‌قادر نیز در ابیات آغازین دیوان شعری خویش، به توصیف ذات حق می‌پردازد:

علی العظیم! علی العظیم!

شه‌ه‌نشای بی‌باک! علی العظیم!

ئییتیدا به ئیسم ذات (الله) هن

ئافه‌ریننده‌ی جومله ئه‌شیاه‌هن

بی‌میثل و بی‌چوون، ذاتش سوبحانه‌ن

به‌خشاینده‌ی رزق، هم میهره‌بان‌هن

پروزی به‌خشه‌نده‌ی بی موزد و مینه‌ت

په‌حیم به‌ر موئمین به ئی‌عطای جه‌ننه‌ت

هه‌ر توئی قابیل هه‌مد و نه‌نانی

صاحب‌ئه‌کوان عالمی یانی

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۳-۵)

شاعر با این اعتقاد که شعرش با بهره گرفتن از مضامین دینی و قرآنی از ژرفا و عمق بیشتر و اصالتی والا برخوردار خواهد شد، به دین توجه و گرایش نشان داده است. دیوان شعری وی با توحید و ستایش ذات باری تعالی و نعت رسول اکرم(ص) شروع شده است. شناخت خداوند و پی‌بردن به عظمت و بزرگی او یکی از مباحث مهم در کتب اخلاقی است و فقی‌قادر در آغاز کتب خود بخش مفصلی را به سخنوری در این زمینه اختصاص داده است. و به طور مفصل به صفات و اسمای الهی می‌پردازد و بخش مفصلی را به سخنوری در این زمینه اختصاص می‌دهد.

(هو الله الحق)، (رحمان) و (رحیم)

(ملک) و (قدوس)، (مومن) و (حکیم)

(بر) و (مهیمن)، (عزیز) و (جبار)

(باری)، (مصور)، (حکیم) و (غفار)

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۶)

فقہی قادر در این مضمون، اشعار موزون و آهنگینی که سرشار از شور و عشق و معرفت الهی است، در مناسبت‌های ویژه و در فضای معنوی سروده است. البته مدح هنگامی که در ستایش پیامبر (ص) باشد، به روال معمول عنوان نعت را به خود می‌گیرد. فقہی قادر پس از حمد پروردگار، به منظور ارج نهادن و پاس داشت شخصیت معنوی پیامبر اکرم (ص) به بیان صفات منحصر به فرد و خارق العاده رسول خدا (ص) می‌پردازد:

(محمد)، (احمد)، (حامد) و (محمود)

(شهیر)، (شهید)، (شاهد) و (مشهود)

(احید)، (وحید)، (عاقب) و (حاشر)

(طاها)، (ماحی)، (یاسین) و (طاهر)

(فقہی قادر، ۱۹۸۰: ۹)

که در این گزارش فقہی قادر به بازتاب ابعاد شخصیتی و زندگی پیامبر (ص) توجه داشته است که آکنده از مرواریدهای گران قیمت و سروده‌های شگفت در مدح رسول صلی الله علیه و سلم می‌باشد. فقہی قادر در به نعت پیامبر (ص) و بیان خصوصیات مقام نبوت چنین ابراز می‌نماید:

شای (خیرالبشر) فه خر کائینات

مه‌نبه‌ع ئه‌وصاف زومره‌ی مومکینات

ئه‌صده‌قی موطله‌ق، (بالحق) و به حق

به یه‌د ئی‌ع‌جاز قه‌مه‌ر که‌ردی شه‌ق

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۵۷)

فقی‌قادر با استفاده از فنون بلاغی و بحور و اوزان عروضی مناسب و نیز، کاربرد بجا و هنرمندانه صورت‌های خیال، توانست این اسما و صفات را به طرز شیرین و شیوا در اوراق آثار خویش بگنجاند و شعله‌ی جان مخاطبانش را نور و حرارتی دیگر ببخشد. در این قبیل مدایح، شاعر به روال معمول زبانی ساده و دور از تعقید و صنعت آفرینی را به کار می‌گیرد و از سر صدق گفتار و خلوص نیت سخن می‌گوید.

۲-۲-۸- مرثیه

رثا در لغت به معنی «مرده ستایی و گریه کردن و ذکر نیکی‌های او» است. مرده‌ای که ممکن است از بزرگان قوم و شهر و دیاری باشد یا از عزیزان و کسان و خویشاوندان شاعر باشد. (رزمجو، ۱۳۷۲: ۹۹) این واژه در اصطلاح به معنای «دردمندی برای شاعر و گریه در ذکر فضایل او و به تصویر کشیدن عواطف و احساسات انسان در مقابل پدیده مرگ است. ادب رثا با توجه رابطه شاعر و شخص رثا شده با هم تفاوت دارد و چه بسا نگاه مرثیه سرا به زندگی دنیایی در این نوع رثا تأثیر گذر باشد» (الطباغ، ۱۹۹۲: ۱۹۱). مرثیه یکی از مضامینی است که مورد توجه شاعر قرار گرفته و فقی‌قادر یکی از شاعرانی است که در زمینه مرثیه سرایی طبع آزمایی کرده و مهارت خود را به ثبوت رسانیده است. مراثی قادر نمایانگر اوج عاطفه و قله احساس این شاعر نازکدل است و مرثی وی از سوز دل و آتش درون او حکایت می‌کند و با زبانی

ساده و بی تکلف، غوغا و آشوب را برملا می‌کند. شرط اساسی مرثیه که همانا لطافت و رقت و دردانگیزی و شورآفرینی و قوت تأثیر و دلنشینی است، در مراثی این شاعر در حد کمال احساس می‌شود. البته فقی‌قادر شعر را وسیله‌ای برای بیان احساسات و عواطفش به کار گرفته، به همین دلیل جز برای چند تن از نزدیکان مرثیه‌ای نسروده است. البته سوای اینکه قادر همواره در گذر حادثه‌های تلخ و رویدادهای مختلف قرار گرفته است که رویدادهای زندگی او را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و همین سبب شده بود که گاه نیز مرثیه بسراید. از طرفی هم فقی‌قادر با مرگ عزیزی روبرو می‌شود که در فراق و ماتم او، احساسات و عواطف لطیف خود را بیان می‌کند و سوز و دردهای درون خویش را در فراق برادر بزرگش به نمایش می‌گذارد. در این شکل خاص از شعر او، عنصر عاطفه، احساس و تخیل بر جنبه عقل و منطق غلبه پیدا می‌کند و همچنین مرثیه مضمونی است که با روحیه‌ی شاعر رنج دیده در محس نزدیکی کاملی دارد. وی که طی زندگی شاهد مرگ برادر ناکامش بوده، دیوانش سرشار از سوگ سروده‌هایی در رثا و ماتم برادر بزرگش سلیمان است که از سر اخلاص و بر اثر تألمی عمیق سروده است:

شه‌هسوارم پۆ.. شه‌هسوارم پۆ!

شه‌هباز شه‌ش دانگ شه‌هسوارم پۆ!

فه‌ره‌یدون طه‌لعت سه‌هم‌دارم پۆ!

ئه‌سکه‌ندهر ئه‌ساس حاته‌م وارم پۆ!

که‌یخوسره‌و ده‌ماغ، شیا وه‌حشم پۆ!

فه‌رامورز یه‌ل، جیهان به‌خشم پۆ! (فقی قادر، ۱۹۸۰: ۶۶۷-۶۶۸)

مرثیه فقی قادر بسیار جانسوز است. وی با رنج و مصیبت‌هایی که از زندان و مرگ برادرش دیده باز علو همت و صفای باطن و نیک اندیشی را از دست نداده و عزت نفس و بردباری را فرو نگذاشته است و از روح حساس و لطیف با همه علو همت و صلابت شخصیت او حکایت می‌کند، به گونه‌ای که می‌گوید:

ئاغا وهی ئه‌ساس، وهی هه‌یه‌ته‌وه

وهی زومره‌ی غولام شیر هه‌یه‌ته‌وه

به‌ی ئه‌سباب ر‌ه‌زم سان سو‌پاوه

به‌ی گشت به‌گله‌ران وه پا مدراره

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۶۶۸)

۲-۲-۹- معراج نامه

معراج (۷) یکی از پدیده‌ها و اتفاقات مهم زندگی پیامبر اکرم (ص) و برترین معجزه و اشرف فضایل به شمار می‌رود که عبارت است از «سفر الهی و سیر ملکوتی که از مکه آغاز می‌شود و به انگیزه آرایه آیات الهی و نمودن شگفتی‌های هستی، با مرکبی بهشتی (براق و رفر) در زمانی کوتاه به سوی مقصد اعلا پیش می‌رود و با دستاوردهای عظیم، سامان می‌یابد» (ادیب بهروز، ۱۳۷۴: ۱۶). با تأمل در اشعار فقی‌قادر می‌توان گفت که ارادت فقی قادر به پیامبر اکرم (ص) استثنایی و منحصر به فرد است و ارادت وی به حضر مرتبت با عشق عرفانی در آمیخته است. چنانچه دلبستگی خاصی به ستایش حضرت رسول اکرم (ص) داشته است و ذکر معراج ایشان را سبب علو شعر و از سویی زکات طبع

شعری خویش دانسته است. وی پس از حمد و ستایش خداوند، به نعت حضرت رسول (ص) می‌پردازد و پس از آن، قصه معراج را به نظم می‌کشد.

سا چون جوهره‌ئیل به ئه‌مر په‌قیب
به کن فیکون کاران دا ته‌رتیب
جه‌ودما به ئه‌مر که‌ریم خه‌للاق
سه‌ردا نه جه‌ننه‌ت په‌ی په‌مه‌ی بوراق
(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۶۸)

در بخشی از معراجیه فقی‌قادر وسیله‌ی سیر شبانه «براق» به زیبایی وصف شده است:

گه‌رده‌نش جه له‌عل، فه‌رقش یاقووتی
جه‌ناح زه‌به‌رجه‌د، سورین زم‌پرووتی
سه‌ر نه‌وع به‌شه‌ر، گه‌رده‌ن خه‌رووسی
شکه‌م ئاهو وه‌ش، دومش طاوسی
سینه به‌ر فه‌راغ، خالیه مه‌ملوو
ده‌وه‌نده چون باد، ناطیق و خو‌ش بوو
(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۷۰-۷۱)

فقی قادر به موضوع معراج توجه ویژه‌ای نموده است و در بخشی از دیوان خود واقعه پر رمز و راز معراج را با تعبیر زیبای شاعرانه به تصویر می‌کشد تا آنجا که دکتر مارف خزنده‌دار معراج‌نامه فقی‌قادر را از زیباترین نمونه‌های معراج‌نامه در ادبیات کوردی قلمداد می‌کند (نک: خزنده‌دار، ۲۰۱۰: ۲۰۶). وی با بهره‌گیری از قریحه سرشار، استعداد، درک و باورهای دینی خود و با تأثیر پذیری از قرآن کریم و نیز اندیشه‌های متعالی خویش، در زمینه‌ی معراج در قالب اشعاری دلنشین و جاودانه ارائه کرده است.

۲-۱۰-۲- طبیعت گرایی

یکی دیگر از مضمون‌های شعری که از دید شاعر پنهان نمانده است، وصف طبیعت است. فقی قادر از آنجایی که عمری از زندگانی خود را در زندان به سر برده است، حال آنکه نمی‌تواند جهان را بر قواری همت و یا بهتر بگوییم رویای خود بدوزد، پناهگاه امن خویش را در دوردست‌ها، به دور از شهرنشینی و مظاهر تمدن می‌جوید، به دامن طبیعت می‌گریزد تا خود را بیابد و عرصه را برای شکوفایی نبوغ خویش فراهم سازد و جولانگاه «ناخودآگاه» را گسترده کند و از این طریق با دریافت‌های شخصی خود، راز پدیده‌های هستی را بیان کند. «برای این کار به ذهن منطقی توسل نمی‌جویند، بلکه به ذات کمالی و عواطف و احساسات خویش پناه می‌برند» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۱۱۳) از این‌رو، فقی‌قادر طبیعت را پناهگاه امن و پرآرامش یافته و این امر عاملی برای گریز از دغدغه‌های زندگی در شعر اوست. شعر «جنگ نامه زمستان و بهار» را که در زندان خانه کرکوک سروده است این رویکرد شاعر را نشان می‌دهد:

شای زمستانه‌ن.. شای زمستانه‌ن.. که وکه بهی نه بهرد شای
زمستانه‌ن

جولووس جورعه‌ی جام جیهانه‌ن

ره‌زم و مه‌عه‌که‌ی باد و طوفانه‌ن

(فقی قادر، ۱۹۸۰: ۷۱۶)

البته افزون بر این، پیوند احساسات و عواطف شاعر با عناصر طبیعت در سروده‌های فقی‌قادر فراوان است.

نتایج و یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از آمده از این پژوهش حاکی از آن است که؛

- کلام قادر به رغم سلاست و روانی از وجود برخی مضامین و واژه‌های مهجور و دیریاب خالی نیست و با عنایت به نظر افکنی به دیوان‌های شعر فارس و متون اسلامی و قرآنی، نیروی ابداع و ابتکار را در مضمون آفرینی و معنی پردازی را به حد وفور در غزلیاتش جمع کرده است.
- فقی قادر در ساقی نامه‌های خود علاوه بر بیان احوال لطیف باطنی و هیجانات پرشور روحانی و عاطفی، به موضوعات حکمی، اخلاقی و عرفانی نیز توجه و عنایت خاصی داشته است.
- حکایت و زندگی پیامبر اکرم (ص) و معجزات ایشان به ویژه معراج در شعر فقی قادر جایگاهی والا و رویکرد هنری در شعر او داشته است و بنا بر روحیه و اقتضای حال خویش از این زمینه بهره برده و به شعر خود غنا بخشیده است و این نکته حاکی از آن است که فقی قادر تا چه میزان با قرآن و فرهنگ اسلامی و امور معنوی آشنا و مأنوس بوده است.
- حضور و بروز مضامین عرفانی در اشعار فقی قادر، نشان از اهمیت این مضمون در منظومه‌ی فکری او دارد. زیرا آشنایی کامل و عمیق فقی قادر با رموز و اصطلاحات عرفانی و طرز استدراک و کیفیت انتزاع و دخل و تصرف ذهنی، نگاه ژرف فقی قادر را در ورای ظاهر مسائل و معانی لغاتی که در این باره به کاربرده آشکار می‌سازد.

- اشعار توحیدی، نیایشی، عرفانی، حکمی و اخلاقی همه تحت تأثیر دین و آموزه‌های اعتقادی سروده شده است که با جلوه‌ای هنرمندانه و شاعرانه بیان کرده است. مضامین و محتوای مدایح آیینی با درونمایه محکم و توأم با شور و اخلاص قادر، مدیحه ای او را با ارزش‌های متعالی همراه ساخته و تا آنجا که به مخاطب آگاهی داده و او را آماده پذیرش رفتارهای درست و روح حقیقت جویی کرده است.

- یکی از جذابیت‌های شعرهای فقی قادر وجود تحمیدیه‌ها، مناجات و معراجیه‌هایی است که در دیوانش دیده می‌شود که بسیار مورد توجه پیروان او بوده است. همچنین شخصیت معنوی پیامبر اکرم و وقایع زندگی وی نزد فقی قادر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که ستایش‌های فقی قادر از پیامبر اکرم (ص) بسامد بسیار بالایی از منظومه فکری او را تشکیل می‌دهد.

- فقی قادر یکی از شاعرانی است که در زمینه مرثیه‌سرایی طبع آزمایی کرده و مهارت خود را به ثبوت رسانیده است. مراثی قادر نمایانگر اوج عاطفه و قله احساس این شاعر نازکدل است و مرثی وی از سوز دل و آتش درون او حکایت می‌کند و با زبانی ساده و بی تکلف، غوغا و آشوب را برملا می‌کند. شرط اساسی مرثیه که همانا لطافت و رقت و دردانگیزی و شورآفرینی و قوت تأثیر و دلنشینی است، در مراثی این شاعر در حد کمال احساس می‌شود.

- فقی قادر به عنوان شاعری متعهد و پای‌بند به اصول اسلامی مطرح است که قلمرو مفاهیم و مؤلفه‌های اخلاقی را در پیام‌های زیبا و ژرف به خوبی به کار گرفته و ارزش‌های اخلاقی را گاه در قالب پند و اندرز نیز بیان نموده است.

پی‌نوشت‌ها

1. برای نمونه خانی در مم و زین بخشی را به همین عنوان در ۷۶ بیت با خطاب به ساقی سروده است که فتح بابی برای آغاز داستان است.
2. وصال در اصطلاح عرفانی به معنی رسیدن به مقام وحدت حقیقی با ترک من و مای اعتباری (دانش پژوه، ۱۳۷۹: ۷۱)
3. وجد در اصطلاح عرفان «واردی است از حق بر دل صوفی که ظاهر و باطن او به حالات غم یا شادی تغییر دهد و گفته اند: وجد، اضطراب دل از ترس فراق است» (دانش پژوه، ۱۳۷۹: ۷۱)
4. سکر در اصطلاح عرفان «ترک قیود ظاهری و باطنی و توجه به حق» می‌باشد. (دانش پژوه، ۱۳۷۹: ۴۳)
5. ذوق در اصطلاح عرفان «اولین درجه‌ی شهود حق» است (دانش پژوه، ۱۳۷۹: ۳۶)
6. حال در اصطلاح عرفان «واردی است که بر دل سالک فرود می‌آید بدون اختیار و اکتساب او» (دانش پژوه، ۱۳۷۹: ۲۹)
7. داستان شگفت انگیز معراج یکی از معجزات پیامبر اکرم (ص) است که در قرآن کریم و در سوره‌های «اسرا» و «نجم» نیز به آن پرداخته شده است.

کتابنامه

الف) منابع فارسی:

- ادیب بهروز، محسن (۱۳۷۴)، معراج از دیدگاه قرآن و روایت، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- دانش پژوه، منوچهر (۱۳۸۶)، فرهنگ اصطلاحات عرفانی، چاپ دوم، تهران: فرزانه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رزمجو، حسین (۱۳۷۲)، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، چاپ دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- شریفی، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ ادبیات فارسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات فرهنگ نشر نو.
- ظفری، ولی الله (۱۳۷۵)، حبسیه در ادب پارسی از آغاز شعر فارسی تا پایان زندیه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- غفاری، سید محمد (۱۳۸۰)، فرهنگ اصطلاحات آثار شیخ اشراق، زنجان: انتشارات میترا
- فتوحی، محمود (۱۳۸۹)، بلاغت تصویر، تهران: سخن.

- مردوخ روحانی، بابا (۱۳۹۰)، تاریخ مشاهیر کرد، به کوشش محمدماجد مردوخ روحانی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات سروش.
- مشرف، مریم (۱۳۸۹)، جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- موتمن، زین العابدین (۱۳۴۶)، شعر و ادب فارسی، چاپ اول، تهران: چاپ تهران و مطبوعاتی افشاری.
- یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ، پژوهش نامه ادب تعلیمی، سال سوم، شماره ۱۱، صفحات ۱۵۳-۱۷۵.

ب) منابع کوردی:

- همه‌وند، فقی قادر (۱۹۸۰)، کومه‌له‌ی شیعرى فقی قادر همه‌وند، به‌غدا: چاپخانه‌ی کوری زانیاری عیراق.

ج) منابع عربی:

- الطباغ، عمر فاروق (۱۹۹۲)، فى الرياض الشعر العربى، بیروت: طبع دارالقلم.
- مجمع البحوث الاسلامیه (۱۴۱۴)، شرح المصطلحات الفلسفیه، مشهد: مؤسسه الطبع و النشر فى آستانه الرضویه.

پوخته:

عەبدولقادر پەسوول جوامیر بە نازناوی 'فەقی'، یەکیکە لە شاعیرانی سەدەى نۆزەدەىم. شاعیریکی بە توانایە کە شیعەرەکانی تەریک و نەناسراو ماونەتەو. بە تیرامانیک لە شیعەرەکانی خالی نوێ لە شیعری شاعیرانی پیشوو دەخاتە پوو. قادر شاعیریکیە کە بە ئاگایی لە دیوانی شیعری ئەدیبان و شاعرانی فارس و دەقە ئیسلامیی و قورئانییەکان، هیزی داهێنان و دەستپیشخەری لە ناوەرۆک و واتاسازیدا بەراوەیەکی زۆر لە شیعەرەکانیدا هیناوەتە ئاراو. شیعەرەکانی وینایەکیە لە هەست و وروژان، هیزی خەیاڵ، زالبوونی تەواو بەسەر وشە، لیکدانەو و لیکدراو جوان و پەسندەکان. ناوەرۆکی شیعەرەکانی قادر، سەرەرای ئەزموونی دونیایی، کاریگەریی ژینگەى ئالۆزی سەرەدەمی دەسەلاتداریی سولتان عەبدولعەزیزی عوسمانی لەسەر بوو کە لەگەڵ هۆش و ژیریەکییدا ئاوێتە بوو. لەم توێژینەویدا هەڵدەدریت ناوەرۆک و هەزری ئەم شاعیرە ئاماژەى پێبکریت تا لەپێگای ئەم ئامانجەوێ گرینگترین مەسەلە و ناوەرۆکەکانی دیوانەکی بخرینە بەرباس و فەزای فکری و جۆری پووایینی فەقی قادری هەمەوێندى بە دەست بێت.

وشە کللییەکان: فەقی قادر، لاواندەو، ساقى نامە، گلەیی، شیعری زیندان.

Abstract

Abdul Qadir Rasool was one of the poets of the nineteenth century. He is known as Faqe. He was a talented poet but his works are still being disregarded and unknown to others. Searching and understanding his poems will clarify his new innovations in poetry. By analyzing the collected works and poems of Persian poets and Quranic verses, he could utilize conceptual semantics in his poetical works. His poems are the symbol of desire, sympathy, using the persuasive of metaphors and dominating words to spread splendid compound literary works. He was able to combine the impacts of both his life experience and the complicated community issues of sultan Aziz Ottoman era in his works intelligently. In this research, the researcher attempted to indicate the notions of the poet to give the ability to understand his concepts and his views, and they are important to understand ingenuity he innovated in his poems.

Key words: Faqe Qader, Elegy, Saki poem, Blaming poem, Prison poems.

